

فراق کشورم

از فراق کشورم، بیماری و گریان رسید
سالها دورم زمیهن، عمر را پایان رسید
ای خدا روزی رسان تا باز بینم کابل
کابلم کانجا مرا حُب وطن، طغیان رسید
دورهء تحصیل مکتب، تا به دانشگاه آن
چه خوش ایامی بودش، لیک زودپایان رسید
شد به نیم قرن روزمردم، بدتر از شبهای تار
گشت به ملیونها مهاجر، موسم هجران رسید
فقرو فاقه شد به ملکم، دور از حد گمان
کابل زیبای مارا، موسم ویران رسید
از مظالم های بی دینان، کدامش یادکرد
قتل های بی گناهان، مورچه سان آسان رسید
طالبان دورز اسلام خون مظلومان خوردند
عاقبت روزی همه را، موسم پرسیان رسید
از خدا ترسی ندارند، این حیا بیگانگان
از برای نفس ظالم، لعنت یزدان رسید

گشته اند مزدور پاکستان و غربی های دون
سرنوشت ملک مان بردست بی دینان رسید
ای خداوند کریم، بر آبروی مصطفی (ص)
صبر مان آخربه لب، از وضع مُلک مان رسید
"حیدری" را کن ز لطف، راهی زادگاه وی
با امیدی تا که خاکش، پای کابل جان رسید

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۰۲۲، ۸، ۲۴، سدنی